

نقش حکمی هنر معماری اسلامی در هویت بخشی خانه ایرانی؛ مطالعه موردی: خانه لاری‌ها یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

کد مقاله: ۱۰۹۵۵

محمد بهزادپور^{۱*}، محبوبه بشیرآذر^۲

چکیده

هویت یکی از پایه های شناخت افراد و جامعه از طرق مختلف است و شناخت مباحث هویتی با دیدگاه حکمی و متعالی در ساختار و لایه های معماری مناطق مختلف می تواند به واکاوی ریشه ای فرهنگی و اجتماعی آن پردازد. با در نظر گرفتن سیاست های کلان کشور و جامعه اسلام به جهت معرفی خود به دیگر مجامع پیرامونش، معماری و شهرسازی با محتوای مسکن ایرانی اسلامی و صرف هویت اسلامی به میزان تحقق این اصل در گذشته و نیز حال به این مهم کمک شایانی کرده است. با توجه به حکمت معماری اسلامی، نقش و اصول آن در فرآیند شکل گیری خانه های سنتی همواره از مباحث مکاشفه ای و تحلیلی بده که هر پژوهشی نگاه ویژه ای می تواند به این موضوع داشته باشد و لذا در پژوهش حاضر نقش حکمی با نگاه هویت بخشی در معماری اسلامی مورد واکاوی قرار می گیرد. نکات و طرز ساخت و ساز و نیز عناصری مانند: محرمیت و محصوریت- اشرافیت و جانمایی ها نسبت به کاربری هر محیط در خانه هایی که رویکرد اسلامی داشته اند و استفاده از دیگر عناصر هویت ساز، مصداق هایی ملموس برای شناخت هویت اسلامی به شمار می آید. به همین دلیل در پژوهش پیش رو به میزان عملکردی این آیتم ها که برای ایفای روشن تر نقش هویت اسلامی در طراحی الگوی خانه ایرانی است، پرداخته می شود. روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت توصیفی تحلیلی و به صورت مطالعه کتابخانه ای و بررسی نمونه موردی در قالب خانه لاریها در یزد می باشد. نتایج تحقیق بیانگر این موضوع است که هویت معماری ایرانی اسلامی در خانه لاریها برگرفته از یک پیوند عمیق لایتناهی الهی می باشد که برگرفته از وحدت موجود در بین عناصر و مفاهیم کالبدی و همچنین نظم موجود در سلسله مراتب فضاهای اصلی مانند (هشتی، دالان ورودی، الگوی فضای پوشیده، نیمه باز، باز و ...) می باشد.

واژگان کلیدی: حکمت هنر، معماری اسلامی، هویت، فرهنگ، الگوی طراحی خانه ایرانی

۱- گروه معماری؛ واحد هشتگرد؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ هشتگرد؛ ایران (نویسنده مسئول)

behzadpour@hiau.ac.irmohammad

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی سواه

۱- مقدمه

در ابتدای امر و در بیان مساله این نکته حائز اهمیت است که یکی از جلوه های هویت بخش در طراحی منظر و یا طراحی فضا های مورد استفاده بشر، دیدگاه های فرهنگی و عقاید مذهبی موجود در جامعه است. این طراحی که جهت شناساندن مفهوم هویت و معرفی این موضوع با توجه به عنوان اسلامی در متن موضوع پژوهش است، بر پایه معرفی مذهب می باشد، ترکیبی نو و بدیع خلق می نماید که ریشه در دیدگاه های دینی و تفکر انسان نسبت به جهان آفرینش دارد. می توان گفت در دین اسلام و اهمیت ویژه این دین با توجه به پایه های اصلی آن که بر آیات و روایات و احادیث استوار است، موضوع پژوهش بهتر و ملموس تر است. برای درک بهتر از عنوان پژوهش به تبیین عنوان و معنی کلمات موجود در عنوان پژوهش پرداخته می شود. میزان تحقق هویت و محتوای اسلامی در آثار معماران تابع سه موضوع است: کیفیت ادراک و فهم معمار از حقیقت عالم هستی و مراتب وجود و نفوس انسانی، اتخاذ روش و سبک مناسب برای خلق اثری تعالی بخش و نهایتاً استعداد و تجربه و خلاقیت او در ارائه صورت و کالبدی متناسب با فهم و ادراک خودبسته به کیفیت این سه، نسبت و میزان تحقق هویت اسلامی در آثار، معماری دوران اسلامی متغیر خواهد بود (نقره کار و منان رئیسی، ۱۳۹۱: ۱۱). برای ایجاد محیط اسلامی ابتدا بایستی ویژگی های فضای مناسب زیست و زندگی مسلمانان برگرفته از تعالیم اسلامی، تعیین و تعریف شوند. در حقیقت سخن این است که اسلام یک کالبد فیزیکی و ثابت و لایتغیری برای معماری و شهرسازی ارائه نکرده بلکه راهی و اصولی برای زیست، برای رابطه ی انسان ها با یکدیگر، رابطه ی انسان و طبیعت، رابطه انسان و خدا و رابطه ی انسان و مصنوعش را معرفی می کند (نقی زاده، ۱۳۸۴: ۶۵). میزان تحقق هویت و محتوای اسلامی در آثار معماران تابع سه موضوع است: کیفیت ادراک و فهم معمار از حقیقت عالم هستی و مراتب وجود و نفوس انسانی، اتخاذ روش و سبک مناسب برای خلق اثری تعالی بخش و نهایتاً استعداد و تجربه و خلاقیت او در ارائه صورت و کالبدی متناسب با فهم و ادراک خود. بسته به کیفیت این سه، نسبت و میزان تحقق هویت اسلامی در آثار معماری دوران اسلامی متغیر خواهد بود (نقره کار و منان رئیسی، ۱۳۹۱). معماری ایرانی نمودی از هویت ملی ایرانی است و از آنجا که مفهوم هویت بخش در ایران، تا پیش از انقلاب مشروطه، به دو گفتمان حاصل از اندیشه ایران شهری (ایران باستان) و سپس سنت و فرهنگ اسلامی محدود بود به گونه ای که پس از ظهور اسلام و نفوذ آن در ایران دو هویت ایرانی-اسلامی به نحو ظاهراً غیر متناقضی با هم ترکیب شده بودند (اشرفی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). شیوه دیگری که در هویت سازی اثر معماری کاربرد دارد استفاده از نمادهاست. مردم هر فرهنگی با توجه به گذشته و تاریخ خود، نمادها و سمبل های گاه هویت سازی دارند (مهدوی پور، ۱۳۷۷: ۵۷). که از جمله این نمادها می توان به نمادهای ملی و دینی اشاره کرد. خانه لاریها به عنوان نمونه موردی در این پژوهش انتخاب شده است که نمونه یک معماری اندرونی و بیرونی و فضای سه حیاطه با نگاه معماری اسلامی و از نوع خانه های سلسله مراتبی می باشد. لذا با توجه به مباحث مطروحه فوق و تامل در متون موجود در خصوص موضوع پژوهش آدمی با دغدغه هایی از جنس سوال پیش روی خود مواجه می شود. پاسخ آنها را با چرایی هایی در ذهن می پرواند تا به جوابی درخور آن دست یابد. نمونه ای از آن سوال ها را به شرح ذیل بیان کرده تا در فرایند پژوهش به پاسخ برسیم.

- تاثیر هویت اسلامی در طراحی خانه ایرانی (مطالعه موردی: خانه لاریها) چگونه است؟

- در طراحی حکمی خانه لاریهای یزد نمود هویت اسلامی چگونه دیده می شود؟

۲- پیشینه تحقیق

از جمله زمینه های تحقیقات انجام شده می توان پژوهش های نزدیک و مرتبط در زمینه معماری حکمی و الگوها و نگرش های معماری بر پایه حکمت اسلامی اشاره کرد:

جدول ۱- پیشینه تحقیق

عنوان	نویسنده	ناشر و سال	یافته های تحقیق
عوامل موثر در تفسیر یا خوانش معماری اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه	صدیقی و همکاران	نقش جهان، ۱۳۹۹	فرآیند حاصل از این پژوهش به این نتیجه دست یافته است که تفسیر معماری با استفاده از فلسفه ملاصدرا از مسیر شناخت معمار، زمینه های فهم و پیش ادراک های او برگرفته از مرتبه وجودی شخص که با حرکت جوهری به سوی کمال در ماهیت زمان و نسبت آن است و در ابعاد غریزی، فطری و ارادی متأثر از بینامتنیت فرهنگ در همه ارکانش (باورها، ارزش ها، جغرافیا، آداب و رسوم) میسر می شود.
الگوی پیشنهادی معماری محله اس ایرانی بر مبنای مدل -لامی نگره های زندگی ساز حکمت اسلامی	ذولفقارزاده و همکاران	اندیشه معماری، ۱۳۹۸	یافته ها حاکی از آن است که آنچه به مفهوم محله ارتقاء می بخشد، شناخت مبانی و هدف در شکل گیری محله است. و آنچه در این مفهوم زیرساخت معماری محله است الگویی زندگی ساز با روشی نظام مند و مجموعه نگر است که بر اساس مبانی حکمی معماری با سه جهانبینی دینی، فلسفی و علمی استوار شده است.
چشم اندازی به جایگاه	ناری قمی	پژوهش های	بر این اساس، معمار مسلمان حکیم هنگام طراحی یا ارزیابی پروژه

ها، و انتخاب فناوری موجود، یا ایجاد یک فناوری جدید، چهارچوبی تکلیف محور مبتنی بر حدود و حقوق الهی دارد که برگرفته از آموزه های «قرآن، سنت و عترت» می باشد. معمار از آنجا که جوارح و جوانح خود را امانت الهی می داند؛ خویش را مکلف به رشد همگان دانسته و در قبال «خدا، انسان، طبیعت و معماری» پاسخگو میبیند.	معماری اسلامی، ۱۳۹۵	و نقره کار	فناوری معماری در منظومه ی حکمت اسلامی
یافته های پژوهش نشان می دهد میزان نفوذپذیری، پیکربندی فضایی و همچنین فرارگیری هر فضا در عمق بنای مساجد، ارتباط مستقیمی با مؤلفه های شناخته شده ی حکمت در معماری اسلامی از جمله نحوه ی انتظام فضاها دارد؛ با توجه به نقد زمینه ی اثبات گرایی شبیه سازی چیدمان فضا سعی بر آن بوده تا با بهره گیری از مؤلفه های ساختاری حکمت در معماری اسلامی، در این زمینه رفع رجوع لازم صورت گرفته باشد.	مطالعات معماری ایران	بماینان و همکاران	ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان (مسجد آقانو، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف الله)
نگرش حکمی به معماری اسلامی، در اصل، نگرشی درون زاست؛ نگرشی که می تواند موجبات بازتعریف یک معماری اسلامی پیشرو را فراهم آورد. آینده معماری اسلامی تنها در سایه چنین رویکردی قابلیت تعریف می یابد، نگرشی که تبلور عینی آن را می توان در شیوه اصفهانی، به خوبی مشاهده نمود.	هنرهای زیبا، ۱۳۸۳	مهدوی نژاد	حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران

با پیروی از پیشینه تحقیق متون یاد شده همگی به معماری حکمی در قالب انتظام های فضایی در ابعاد گوناگون دارند و بحث پژوهش حاضر به گونه خاص یک معماری درونگرای سه حیاطه با الگوی تکمیلی معماری ایرانی اسلامی در بحث معماری حکمی می پردازد.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و در قالب مطالعات کتابخانه ای و اسنادی به بررسی خانه سنتی لاری ها در اقلیم گرم و خشک یزد می پردازد. این پژوهش از نوع خانه های سنتی حیاط دار و گونه درونگرا و چهار بخشی می باشد و از نظر ریخت شناسی بصری و الگوواره های بحث حکمت هنر اسلامی در قالب سیر فضایی از برون به درون و بالعکس مورد تحلیل و واکاوی قرار می گیرد.

۴- مبانی نظری تحقیق

۴-۱- هویت

مطابق با لغت نامه دهخدا ریشه لغت «هویت» مصدر «هو» است. این واژه گاه بر حقیقت شی یا شخص و گاه بر آن چه که موجب شناسایی شود، اطلاق می گردد (دهخدا، ۱۳۵۲). هویت معادل فارسی واژه «Identity» است که از کلمه لاتین «Identitas» مشتق شده و دارای دو معنای اصلی است: اول، تشابه مطلق و دوم، تمایز که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می-گیرد (محرمی، 66:1383). معنی لغوی هویت نیز بر ذات، هستی، سرشت، غایت، و کمال مطلق اشاره دارد (میر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۶-۷). در مجموع می توان هویت را مجموعه معانی دانست که چگونه بودن را در خصوص نقش های اجتماعی فرد القا می کند و یا وضعیتی است که به فرد می گوید او کیست (مطوف، ۱۳۸۶: ۷۶). هویت اسلامی، در واقع نشان دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. مهمترین دست آورد هویت اسلامی، پاسخ دادن به پرسش های بنیادی، جهت بخشیدن به زندگی، وحدت اعتقادی و معنا بخشیدن به جهان است (شرفی، ۱۳۷۴: ۹۹-۱۰۲).

۴-۲- خانه حکمی

منزل به معنای نزول و مستقر شدن است اولین نقطه استقرار انسان خانه بوده است و ظرف زندگی انسان در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی اوست، بشر از ابتدای حضورش بر روی زمین به دنبال ایجاد سرپناه بوده است و در کل تاریخ برای افزایش کیفیت خانه خویش تلاش کرده است و تمهیداتی در هر دوره با توجه به نیازهای بشر در نظر گرفته است و به ساخت خانه ای پرداخته است که با دید بشر در هر زمان انطباق داشته است. با توجه به آنچه تاکنون گفته شده نفس انسانی در حال حرکت است به عبارتی نوع وجودی انسان موجودی متحرک است، (همانگونه که ملانک به واسطه تجردشان موجوداتی ثابت در مرتبه وجودی خود هستند) که به سمت صعود یا سقوط خود حرکت می کند و از آن جایی که مکان داخل در هویت انسان است قطعاً یاری گر او در حرکتش به سوی غایت نهاییش خواهد بود. هدف انسان از نظر حکمت متعالیه رسیدن به مرتبه انسان متعالی است و با توجه به تعریف انسان (حیوان ناطق) فصل ممیز انسان با حیوان ناطقیت اوست که انسان برای باید برای رسیدن به مرتبه ناطقیت و انسانیت تلاش و حرکت کند تا دارای خصوصیات انسانی شود و در این بین باید مکانی متناسب با مرتبه انسانی خود قهرمان بنابراین انسان متعال

برای رسیدن به مرتبه بالای نفت پیش باید در نخستین مرتبه وجودی خود، محل گزیدنش که همان خانه است و جایگاهی است که انسان در تمام عوالم نیازمند آن است را خلق کند، و دارای ویژگی هایی که پاسخگوی نیازهای انسان متعالی است باشد. (حائری، ۱۳۸۸) نفس در مقام ذات مجرد است اما در مقام عمل نیازمند جسم می باشد یعنی در حقیقت نفس جامع است هم بعد تجرد را دارا است و هم بعد مادی را و در اصل اتصالی است بین بعد تجرد و بعد مادی که دارای فاصله بسیار زیاد از هم می باشند اما نفس متشکل است از هر دو بعد است. حقیقت نفس بعد تجرد آن است و در اصل جسم را به عنوان وسیله ای و ابزاری در خدمت بعد تجرد و کمک به نفس برای رسیدن به هدف والای خویش خلق می کند بنابراین انسان بخشی از نیازهایش، نیازهای جسمانی است و بخشی دیگر نیازهای غیر جسمانی و باید دانست که جسم نیازهایی دارد در راستای رسیدن انسان به هدفش که باید در برطرف کردن آن ها تلاش کرد و باید به ارزشهای حقیقی جسم پی برد و به عنوان وسیله بسیار ارزشمند از آن محافظت کرد. یکی از عوارض جسم مکان است به همین دلیل است که گفته می شود مکان داخل در هویت انسان است انسان به حکم جسمانی بودن خویش همیشه نیازمند مکانی برای زیستن است یعنی همان محل سکونت، منزل و یا خانه. آنگونه که در هدف اصلی حکمت متعالیه بیان شد هدف رسیدن به موجود مطلق یا باری تعالی می باشد و برای رسیدن به مراتب والای روحانی خویش و نزدیک شدن هر چه بیشتر به خالق هستی نفس خویش را به سمت تعالی حرکت دهد و خانه اولین مکانی است که نفس انسانی پا در آن گذاشته است و به عالم ماده نزول کرده و ابتدا باید از پایین ترین مراتب و پایین ترین عوالم که عالم ماده است برای حرکت و آموختن و رشد شروع کند بنابراین فهمیدیم که ابتدای حرکت نفسانی آدمی در همین خانه مادی است و از همین خانه مادی حرکت صعودی (قوس صعود) خود را آغاز می کند و در همین خانه آن به آن رشد می کند، در خانه می آموزد و در خانه عمل می کند یعنی هم سیر آفاقی و هم سیر انفسی در خانه رخ می دهد نفس انسان جامع است و خانه هم جامه ترین مکان است (هاشم پور، ۱۳۹۱).

۳-۴- حکمت زیست در فضاهای زیستی

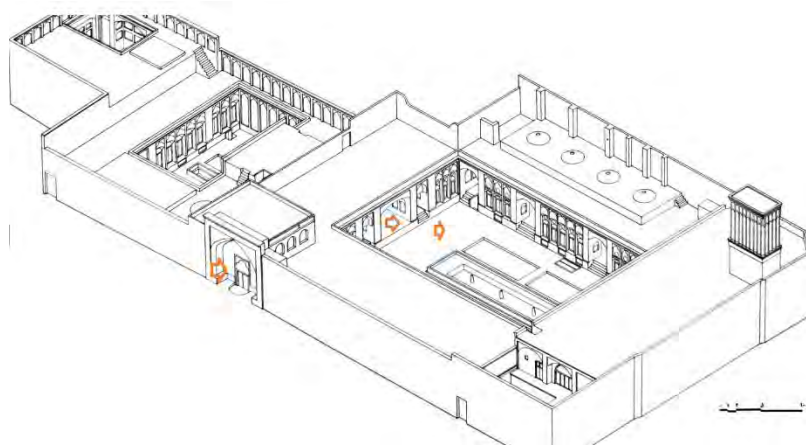
بنای سنتی با توجه به ضمیر پاک انسان و کیفیتی راز آلود بر اصول دینی که هماهنگ با نیازهای اجتماعی و رفتاری انسان است ساخته می شود این "کیفیت بی نام" ناشی از ضمیر پاک انسان است که به صورت ارتباطی دو سویه بین فضا و انسان می باشد و تأثیرات آن نشان از اشکال مختلف رفتاری انسان ها با توجه به فرهنگ ها می باشد. شیوه بهره مندی از فضا در معماری ایرانی، شیوه "درون‌گرایانه" بوده که در آن همواره "مکانی را برای تمرکز و یافتن خویش و رفتن به سمت "شدن" را تشخیص بخشیده است. این برخلاف شیوه استفاده غربیان از فضا می باشد که در آن شی عینی عنصر مثبت است. در این معماری، فضا عنصر مثبت می باشد. (اردلان، ۱۳۹۰، ۱۶). به نظر اردلان این اساس درک سنت معماری ایران اسلامی است."



شکل ۱- حیاط و حوض در خانه لاریها یزد (منبع: <https://www.yjc.news>).

۴-۴- اندرونی و بیرونی

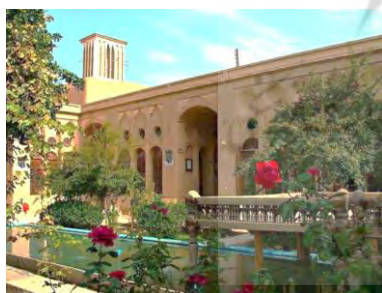
تحقق مفهوم بیرونی و اندرونی، که با آداب زندگی یک خانواده مسلمان هماهنگی دارد، پاسخی معمارانه به خواست فطری ساکنان، که همانا حجاب داشتن و محفوظ ماندن از دیر نامحرمان می باشد، است. این تفکیک و استقلال خانه از محیط پیرامون، خود باعث به ارمغان آمدن آرامش درونی می گردد. و کمکی برای رهایی از تنش های و در نتیجه درمان آنهاست. در خانه لاریها سیر کلاسیون حرکتی به نحوی است که انسان از کنار حوض آب (نماد پاکی، سادگی و روحانیت) که اشاره بر مرکزیت داشته و عنصری وحدت دهنده است و درختان که با سرسبزی خود روح آدمی را تلطیف و روحانی می کنند می گذرد وجود حوض و درختان نشان از یک بازتاب کیفی است که در بطن آن «وحدت» نهفته است. در جایی پیامبر (ص) فرموده اند: سه چیز چشم را قوت می بخشد: دیدن سبزه، آب جاری و روی خوب. (نقی زاده ۱۳۸۳: ۱۵۱) میانکنش بین شکل و فرم فضایی و انسان باید فضایی پاک، غرق آرامش و خالی از هر تنش و تفکر انگیز باشد. وجود حوض و درختان در مرکز حیاط و قرار گیری اتاق های سه دری و پنج دری با شیشه های رنگی و شمسه های کار شده در آن که در اطراف حیاط مستطیل شکل (که سمبل پایداری و ثبات است) فضایی مثبت برای تفکر خلاقانه انسان فراهم می آورد بدینسان آفرینش عرضی آدمی به علت طولیه می پیوندد و بازسازی بهشت تمامی می پذیرد. (اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۶۸).



شکل ۲- اندرونی و بیرونی در خانه لاریها، یزد (منبع: نگارنده).

۴-۵- باغ و حیاط تصویری بهشت موعود

تصور بهشت موعود که از ادوار قبل تاکنون در مخیله ایرانیان به وجود آمده، تصویری است از زیباترین و دلپذیرترین باغ ها. به تعبیر بوکهارت، طبیعت بهشت ایجاب می کند که مستور و راز آلود باشد؛ به همین ترتیب خانه مسلمان با حیاط مرکزی محصور شده به همراه درختان و آب، مشابه این جهان معنوی است. (نقی زاده، ۱۳۴۸، ۲۲۲) در چنین فضای معنوی تنش های اجتماعی به کمترین حالت ممکن خود می رسد زیرا فرهنگ و نحوه جهان بینی اسلامی در اعماق سیستم عصبی انسان از گذشته نفوذ کرده و تعیین کننده نحوه ادراک او از جهان شده است. و "بیشتر قسمت های فرهنگ پنهان بوده و خارج از توان کنترل ارادی است و تار و پود وجود انسانی را تشکیل می دهد" (ادوارد ت هال، ۱۳۸۴، ۲۲۲). «بناهای بزرگ سنتی را همواره کسانی ساخته اند که با جوهر این راه (راه بی زمان) قرابت زیادی داشته اند» (کریستوفر الکساندر، ۱۳۸۶، ۷). الگوهای بکار رفته در مسکن سنتی (خانه لاریها) نماد و سمبلی از عالم ربانی می باشند در ذات انسان بر می خیزد که ساده زیستن را در کنار عناصر طبیعی برای آرامش روح و رسیدن به کمال مطلوب بر می گزیند. برای یافتن راه بی زمان بایستی ابتدا کیفیت بی نام را بشناسیم. تلاش ما برای یافتن این کیفیت در زندگی خودمان، چیزی است که همه انسان ها به دنبال آن اند و موضوع اصلی در ماجرای زندگی هر کسی است این تلاش همان طلب اوقات و حالاتی است که در آن زنده تریم (همان، ۳۵).



شکل ۳- ایوان و فضای چشم انداز در خان لاریها (منبع: <https://www.yjc.news>).

جوهره ای است آنچنان ساده و عمیق که با آن دنیا می آیم. سادگی این راه از طریق فطرت و خواسته های ذاتی انسان نشأت گرفته است و خواسته های فطری انسان برای راه یافتن به این راه بی زمان، برای رسیدن به کیفیت بی نام نیاز به محلولی دارد که بتواند نیت درونی و خواسته های فطرتی خود که نوعی تبدلی ذهنیت به عینیت است، را متجلی گرداند. انسان در محیط مادی برای تبدیل ذهنیت خود به عینیت و رساندن آن به درجه بالای معنویت و کمال مطلوب الهی نیاز به برخورداری از زمینه و بستری دارد که در آن بتواند این احد را شکوفا سازد، این مطلوب بستری همراستا با خواست الهی که همانا ساده زیستی برای گذشتن از زندگی مادی و رسیدن به درجه مطلوب زندگی با کیفیات برتر است را می طلبد. در بررسی خانه لاریها قسمت عمده بنا را اندرونی تشکیل میدهد: حیاط در قسمت مرکزی و فضاهای مسکونی به صورت چهارفصل در پیرامون حیاط باتوجه به اقلیم شکل گرفته اند. قسمت شمالی که رو به آفتاب هستند وسیع تر و مهمترند و به عنوان زمستانه، و هرچه از سرمای منطقه کاسته می شود از قسمت جنوب غربی به عنوان تابستانه استفاده می شود که قسمت اخیر شامل ایوان بزرگ بادگیر است. از ضلع شرقی که شامل اتاق آینه، مطبخ، سرداب، و سایر فضاها است به عنوان پاییزه و از ضلع غربی به عنوان بهار خواب استفاده می شده است. ایوان رفیع جبهه جنوب غربی در راس حیاط اثر فراوانی در کیفیت فضایی حیاط گذاشته و پرتراشی بدنه داخل ایوان اثر بخشی از دیوارهای پر کار حیاط جلوه می کند که در ایوان به صورت ادامه درگیری دارد.

ایوان بزرگ خانه مکانی برای جلوه گری بوستان وزیبابی های آن است که عضو جدا نشدنی از آن محسوب می شود. جلوه گاه ایوان و فضای باغ را نمی توان از هم جدا کرد «درواقع هر فرهنگ الگوی رویدادهای خود را با نام عناصر کالبدی فضا که در آن

فرهنگ (متداول) اند مشخص می کند» (کریستوفر الکساندر ۱۳۸۶: ۵۶) معماری سنتی تلاش نموده تا با اتحاد جهت نوعی کوچ اقلیمی (راحتی جسم) و همچنین جهت مناسب دینی (راحتی جان و روان)، زندگی را هم از نظر جسمی هم از نظر روانی در کالبد بنا برای ساکنین آن آسوده نماید. معمار سنتی بر پایه شناختی درست از نوع زیستن انسان در محیطی ساده و شناخت باورهای روحی و جسمی او به تدابیری متنوع و همراه با نبوغ برای زندگی خانوادگی اندیشیده است.

۴-۶- اهمیت نور و روشنایی

انسان بنا بر ساختمانی زیستی خود به نور گرایش دارد، انچنان که معمولاً دوست دارد که در جایی قرار بگیرد که نور باشد. نور عامل رویت اجسام می باشد و از سوئی موجودات و اشیا وجودشان خدای متعال می باشد. در قرآن کریم آمده است «الله نورالسموات والارض، مثل نوره...» (نور / ۳۵) بدین معنی که خداوند روشنی بخش نور و آسمانها و زمین است. پس خدای متعال کامل ترین مصداق نور می باشد که روشنایی بخش همه آسمانها و زمین می باشد. لویس کان می گوید: «اگر افتاب به پهلوی بنایی نتابیده بود هرگز از چگونگی عظمت خود آگاهی نمی یافت» (نوربرگ شولتر، ۱۳۸۲: ۱۴۲) در خانه های سنتی با استفاده از عبور نور از شیشه های رنگی به درون فضا، یکی از نشانه های معرفتی و حقیقتی الهی تکرار شده تا به نوعی روشنی بخش دل ساکنان خانه باشد. نور با رد شدن از هندسه منظم در و پنجره های چوبی و ترکیب با فضای منقوش و دل گشا منجر به متعالی شدن روح و روان آدمی و ایجاد آرامش قلبی ساکنین می گردد. و این حس آرامش روح که اثر وجود نور طبیعی بر شیشه های رنگی است، از دست ساخته انسانی نشأت گرفته و باعث ایجاد زیبایی و جمال درون فضا میشود، نمایانگر یک حقیقت متعال است. بنابراین نور که با ترکیب با هندسه و نقوش و تکرار و توالی آن باعث متعادل شدن فضا میشود نشان از جلوه های نمایان ارتباط انسان به عنوان رکن اصلی با مسکن خود به صورت ساده دارد و مسکن سنتی دست خواسته نوع نگرش زیستی انسان است که نگرش مبتنی بر الهامات خداوندی و ساده زیستی است. پنجره های که پنجره گاه داشته باشد به انسان کمک می کند تا زندگی را پیدا کند» (کریستوفر الکساندر ۱۳۸۱: ۹۵). با توجه به خواست انسانی نسبت به گرایش به نور اگر پنجره فقط سوراخ در دیوار باشد تضاد درونی در انسان به وجود می آورد، بین کشش به سوی پنجره از سوئی و از سوی دیگر برگشتن و نشستن در روی صندلی راحت خود در اتاق. مدام این کشاکش ادامه دارد، ولی اتاقی با پنجره گاه یک میل غریزی و درونی برای نظاره کردن بیرون در انسان ایجاد می کند و انسان را بر می انگیزد، تا نوعی هم آغوشی با نور و رنگ طبیعت داشته و خود را به نور و معرفت الهی نزدیک کند. اتاقی با پنجره گاه دیگر تنشی ندارد، و از دید گاه ساده و طبیعی، جای بهتر برای زندگی انسان در یک خانه سنتی و ارتباط با محیط و کالبدی که درون آن قرار دارد و امکان زیستی ساده و روحانی را همراه با زمان برای انسان به وجود می آورد. خانه لاریها در گمنامی ظاهری خود جهانی سرشار از پدیدهای طبیعی را که آمیخته با خلوص روحانی و ساده زیستی انسان است متجلی می گرداند. و این است وظیفه اصلی خانه: افشای جهان نه به صورت گوهر و عصاره بلکه به شکل «ندا خوان» یعنی در قالب ماده و رنگ، موضع نگاری و گیاهان، فصول، آب و هوا و نور.



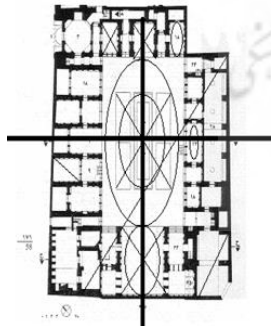
شکل ۴- خانه لاریها (حوض و درختان)
(منبع: گنجنامه یزد، ۱۷۰)



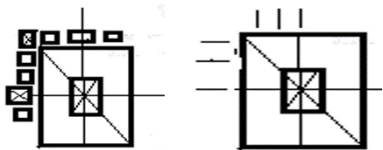
شکل ۵- خانه لاریها (تختگاه)
(منبع: گنجنامه یزد، ۱۷۰)



شکل ۶- خانه لاریها- پنج دری حیاط اصلی- مأخذ: (گنجنامه یزد، ۱۷۳)



شکل ۷- تناسبات طلایی در خانه لاریها
(مأخذ: نگارنده)



شکل ۸- مدول و تناسب و تقسیم فضاها در خانه لاریها، یزد (منبع: نگارنده).

۴-۷- استفاده از مدول و تناسبات

در هستی سنتی آرایش اجزاء معماری در کالبدی توسط تجزیه و ترکیب اندازه ها و معیارهای شخصی انجام می گیرد و نشانه آگاهی و درک و تجسم مطلوب فضایی از طرف انسانی است که درون آن زندگی می کند. رابطه اساسی بین هندسه فضایی و پیمون^۱ که در نقشه، اندازه ها، طول و عرض راهروها، ایوانها، طاقها، هیئت نما و در و پنجره در خانه سنتی وجود دارد که در ساختار بنا به صورت منظم و منطقی خود را نشان می دهد.

۴-۸- هندسه و پیمون از بعد حکمی

درباره بکار گیری هندسه در معماری، دیدگاه های گوناگون مطرح است. برای نمونه افشار نادری می نویسد: "فضای معماری بر اساس نوعی هندسه ساده یا پیچیده شکل می گیرد و در هر حال از محیط طبیعی بسیار ساده تر است و انسان در طول تاریخ سلطه اش را بر طبیعت از طریق هندسی کردن ان اعمال کرده است." همچنین می نویسد: "هندسه اساساً عنصر متحد کننده جزء و کل است. و انسان را با منطق آفرینش با نجوم طبیعت و آسمان آشنا می سازد." (همان ۱۳۷۴، ۷۲). این هندسه کاربرد زیادی در خانه سنتی داشته و به صورت یک مدول که از ذهنیت به عینیت رسیده از گذشته به عنوان الگوی ساده هندسی فضاهای یک خانه سنتی را به هم پیوند می دهد. در خانه سنتی (خانه لاریها) یک ترتیب خطی به صورت ۴۵ درجه محور های اتصال گوشه ها و اتاق ها می باشد. این هندسه این امکان را می دهد که گوشه ها از وابستگی شکلی آزاد شده و امکان خلق فرم ها و ترکیبات ساختی دیگر را در اطراف خود افزایش می دهد و این هندسه که در دوره مدرن به عنوان سیستم "مدولار" یک قاعده پذیرفته شده بود در خانه های سنتی هم در پلان و هم در نما باعث پایداری کالبدی و فضایی می شود. این نوع ترکیب هندسی که به صورت یک پیمون شناخته شده است با باور انسان سنتی رشد کرده است. و گونه ای پذیرفته و پایدار مطابق با روحیات و نحوه زیستن خود را در طول زمان به صورت ساده با خود حمل کرده است و این ذهنیت به صورت عینیتی مقبول که دست خواسته خود انسان سنتی است به صورت ساده در خانه لاریها به چشم می خورد. هندسه و پیمون علاوه بر نظم و آرایش فضا (پیرنیا، ۱۳۸۷)، به صورت وصله ارتباط دهنده در کالبد عمل کرده و از قدیم الایام به صورت سینه به سینه در مسکن سنتی رواج داشته و این امر مشخصه فرایند طراحی و ساخت مسکن سنتی مبتنی بر افزامندی، است که پس از سالها پاسخی مناسب به مسئله طراحی و ساخت و اگر هر قسمت تغییر کند ممکن است کل سیستم به طرق گوناگون تغییر یابد (لاوسون ۱۳۸۷، ۲۴) نوع نظم و سادگی را هم می توان در تناسبات و قرارگیری فضاها در اطراف حیاط به صورت متقارن، سلسله مراتبی مشاهده کرد و هم در نوع اتاق های سه دری و پنج دری و تعداد دهنه های بادگیر (سه، پنج، هفت، ...). که جزء اعداد مقدس بر اسلامی به شمار می روند. این نظم در هندسه و مرتبط با پیمون نشان از نظم الهی و یک حقیقت برتر دارد! این سادگی زیبایی شناسی که باعث رضایت خاطر می گردد، و به صورت نافذ و عمیق، از تنوع در بعد تناسب پیچیدگی درونی سرچشمه می گیرد. این سادگی نه تنها نیاز کالبدی حرکتی را مقدور می سازد بلکه نیاز معنوی و روحی - روانی، عامل تعیین کنترل و ابعاد و اندازه ها برای دستیابی به نتیجه مطلوب می باشد که نشان از یک ارتباط تنگاتنگ بین انسان و سیرت باطنی اوست که نشأت گرفته از زهد و ساده زیستی انسان و درک صحیح و عمیق او از جهان ماورائی و دل کندن و بریدن از جهان مادی می باشد «و لا تَعَزَّزْکُمُ الْحِیَاطُ الدُّنْیَا» (انعام / ۱۳۰).

۵- یافته های تحقیق

خانه لاریها در تحلیل خانه حکمی در قالب عینی و کالبدی بیانگر الگوواره های جامع هستی شناسی انتظام یافته می باشد. در این تحلیل نشان از نظم الهی و یک حقیقت برتر در وحدانیت کل به جزء و برعکس وجود دارد. مبانی حکمت متعالی در خانه لاریها نشان از پیوند عمیق عناصر و اجزاء در بعد تناسب و تعادل و هندسه فضایی دارند. لذا تاثیر هویت ایرانی اسلامی در خانه لاریها نشأت گرفته از یک پیوند عمیق لایتناهی در میان عناصر و مفاهیم ذهنی برخاسته از فضاهای اصلی مانند (هشتی، دالان ورودی، الگوی فضای پوشیده، نیمه باز، و...) دارد. با پیروی از متون تحقیق تحلیل از بعد حکمت متعالی خانه لاریها به شرح ذیل می باشد:

جدول ۱- تحلیل حکمی خانه لاریها (حکمت متعالیه)

مفاهیم	مبانی	الگو	مصدق خانه لاریها یزد
حکمت متعالی	الگوی حرکتی	سلسله مراتب رسیدن از خارج به داخل	هشتی / دالان ورودی / الگوی فضای پوشیده، نیمه باز، باز
	مرکزیت	مرکزیت خلاء	حیاط
	وحدت	الگوی پیرامونی	حرکت در پیرامون حیاط مرکزی
	چرخش، کشف و حرکت جوهری	درون گرایی محرمیت	راهروهای پرپیچ و خم از برون به درون / حیاط مرکزی / وجود هشتی و سلسله مراتب
	اصالت وجود (وحدت)	یگانگی و تصویر بهشت	باغ ایرانی-هندسه باغ-نظم و نحوه کاشت درختان و گیاهان

۶- نتیجه گیری

خانه سنتی (خانه لاریها) نشان از نحوه زیستن و نگرش انسانی است دارای فرهنگ و جهان بینی اسلامی بوده و دارای نظام های فضایی شامل تسلسل، ریتم، هندسه و پیمون، تفکیک اندرونی و بیرونی، حجب و حجاب و تجلی عالم برین بوده که متضمن کیفیت های ارائه شده در معماری ایرانی اسلامی بوده اند. این نحوه نگرش زیستی منجر به خلق یک فضای معنوی با کمترین تنش های رفتاری و اجتماعی شده و همچنین باعث تعالی روح انسان در محیطی با دوام شده، در طول زمان به عنوان جوهره راه (راه بی

زمان) به صورت پایدار می باشد. الگوهای بکار رفته در مسکن سنتی ایرانی (خانه لاریها) تمثیل ها و ایاتی از عالم ربانی و متعالی می باشند که از ذات انسانی برمی خیزد، که از ساده زیستن را در کنار عناصر طبیعی برای آرامش روح و رسیدن به کمال مطلوب و قرب الهی بر می گزیند. توجه به چگونگی استفاده از عناصر طبیعی و مدنظر قرار دادن نقش انسان به عنوان محور اصلی در معماری خانه های امروزی ایرانی. به تعبیر حکمی و عرفانی نحوه زیستن انسان سنتی با الگوی درونگرا، سمبلی از نگاه عرفانی او به حساب می آید. همانگونه که انسان عارف ساده زیستی را بر می گزیند واز دنیا و محیط پیرامونش می کند، و بدون دل خود نگاه می کند، خانه سنتی هم با ویژگی درونگرایی خود، در حقیقت به اطراف پشت کرده و بدون خود توجه دارد. عارف در دل خود که آینه ذات احدیت است، نور خدا را می بیند. در این میان خانه سنتی با واسطه عناصر درون خود که نحوه زیستن و دست خواسته خود انسان است، منعکس کننده نور الهی می باشد.

منابع

۱. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۰)، حس وحدت (نقش سنت در معماری ایرانی)، ترجمه و نداد جلیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات علم معمار رویال.
۲. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، معماری وراز جاودانگی. مهرداد دبیر هندی ۱۳۸۶. تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. بمانیان محمدرضا، جلوانی متین، ارجمندی سمیرا (۱۳۹۵). بررسی ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان (نمونه های موردی: مسجد آقانور، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف الله). مطالعات معماری ایران،
۴. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۷)، آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: مرکز انتشارات سروش دانش.
۵. حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانه، فرهنگ طبیعت. انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعاتی شهرسازی و معماری. چاپ اول.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲)، لغت نامه دهخدا. تهران، دانشگاه تهران، تهران.
۷. ذوالفقارزاده حسن، جعفری ها رضا، دل زده علی (۱۳۹۸). الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی- ایرانی بر مبنای مدل نگره های زندگی ساز حکمت اسلامی. اندیشه معماری، دوره ۳، شماره ۵، صص ۳۳-۵۹.
۸. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱)، جوان و بحران هویت. تهران، انتشارات سروش. چاپ دوم.
۹. صدیقی رویا، پناهی سیامک، فروتن منوچهر، دیباج سیدموسی (۱۳۹۹). عوامل موثر در تفسیر یا خوانش معماری اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه. نقش جهان، شماره ۴، صص ۲۹۵-۳۰۳.
۱۰. قبادیان، وحید (۱۳۸۷)، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. قران مجید.
۱۲. محرمی، توحید (۱۳۸۳)، هویت ایرانی، اسامی ما در هویت در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران
۱۳. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۶)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه شناسی درونگرا). تهران: مرکز انتشارات سروش دانش.
۱۴. معطوف، شریف (۱۳۸۶)، بحران هویت: چالش شهرسازی ایران در جلوهگاه بازسازی شهری «باغ نظر، دوره ۴ شماره ۸ زمستان.
۱۵. مهدوی پور، حسین (۱۳۷۷)، مقدمه های بر تأثیر فرهنگ در معماری مسکن و محیط روستا، شماره ۸۴، صفحات ۵۲ تا ۶۰.
۱۶. مهدوی نژاد محمدجواد (۱۳۸۳). حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران. هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صص ۵۷-۶۶.
۱۷. ناری قمی مسعود، نقره کار سلمان (۱۳۹۵). چشم اندازی به جایگاه فناوری معماری در منظومه ی حکمت اسلامی. پژوهش های معماری اسلامی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۷۶-۹۳.
۱۸. نقره کار، عبدالحمید، و منان رئیس، محمد (۱۳۹۱)، تحقق پذیری هویت اسلامی در آثار معماری. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره هفتم. ۵-۱۲.
۱۹. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴)، جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ شهر های ایرانی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲۰. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱)، مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امید یار احمدی. ۱۳۸۱، تهران: انتشارات آگاه.
۲۱. هاشم پور، پریسا و کی نژاد، محمد علی (۱۳۹۱)، ارتقای کیفی خانه با عنصر خیرخواهی. مسکن و محیط روستا.
22. Alexander, Christopher (1979). The timeless way of building. Arshitestral Prss, Oxford.
23. f. Iwright, the natural hose (1954), new york 1970, p.32
24. Lawson, bryan. (1979). H ow esigners think; the design pross